

## شعري ديگر

من ميگم : دلم شكسته  
تو ميگي : يار در رو بسته  
من ميگم : با كي شدي يار؟!  
تو ميگي : با په نخ سيگار  
من ميگم : بهشت رو ديدى؟!  
تو ميگي : كاست يا سى دى؟! ( بابا با كلاس )  
من ميگم : اردل و بامشاد!  
تو ميگي : سر جام اروپا ، اونا رفتن از ياد  
من ميگم : چيه ؟ جوونى؟!  
تو ميگي : گاو ميچرونى؟! ( بتوجه بابا )  
من ميگم : عجب خرى هستى ؟  
تو ميگي : خب من عاشقتم!! ( چرت و پرت نگو )  
من ميگم : استاد غريبه!!!  
تو ميگي : خيلى عجبيه!!  
من ميگم : خاك شلمچه!!  
تو ميگي : اينا به من چه؟!  
من ميگم : ياوره استاد ؟  
تو ميگي : پولداره يكي از دوستات!!!!!!

## پشه



نام : پشه

نام خانوادگى : لامروت حشريان خونخوار زاده

نام علمى : **Blandon mosquito**

مدت عمر : مشخص نیست

این حشره موذی به ووفور در جاهای گرم و نرم ( به به ) یافت میشود و بیشتر به بانوان علاقه دارد چون گرمتر هستند و نرمتر و شیرین تر ( الهی کوفت بشه به این پشه های نامرد )!!!!.....!!!!

با توجه به ابهاماتی که راجع به اینکه روزها این بزغاله ها کجا میروند بر این آمدم تا از استاد چرندی پرسیم که روزها به کجا میروند چنین شتابان؟!!!!!!!

به مصاحبه تلفنی ما با استاد که الان در مسافرت به سر میبرند گوش کنید :

مشترک مورد نظر در دسترس نیست !!!! ( ۵ بار )

\*\*\*الو سلام استاد خوبین؟!!!!

\*\* به تو چه بز ؟!!!!!! چیه باز زنگ زدی بگی حقوق عقب افتاده ؟؟ الهی اون ویلاگ رو سر همتون بترکه !!!

\*\*\* استاد برنامه زنده است این حرفا چیه ؟!!! ما زنگ زدیم پرسیم این پشه ها روزها کجا میرن ؟

( بله حتماً : والا پشه ها دو نوع دارن که عبارتند از دو نوع خیر و بی شعور ، نوع خیر روزها میرن به سازمان انتقال خون و خونهایی که شبها میخورن اهدا میکنند ، دمشون گرم خیلی با حال هستن و نوع دیگه که بی شعورن روزها میرن تو بازار آزاد خونهای کوفت کرده رو میفروشند که الهی خرج بخیه ..... بشه )

\*\*\*مرسی استاد

با تشکر از استاد امیدواریم که زودتر بیان و شما رو به فیض برسانند!!!!!!!

یا حق .

.....

**شعر نو اثر استاد چرندی**



اشک رازيست،  
لبخند رازيست ،  
الکل ماله زکریای رازيست ....!!!!  
اشک آنشب وودکای عشقم بود ،  
و تگری گوهر وجودت .....

چرند نيستم که بگویی،  
پرند نيستم که بخوانی ،  
دوپتيس دوپتيس نيستم که بشنوی.....!!!!  
يا چیزی که چنان ميپینی ...  
يا چیزی که چنان بدانی.....  
خدایی حالت خوبه ؟؟؟!!!!!!  
من يه ديوانه هستم  
مرا فریاد کن !!!!

درخت با جنگل تکنو ميزند ،  
علف با گوسفند تانگو ميرقصد،  
يا رب اين چه درديست ؟!!!!  
ستاره با کهکشان دعوا ميکند

و

من با تو سخن میگویم  
نامت را به من بگو؟؟؟.....( تو رو خدا )  
دستت را به من بده و از جوب بپر..  
حرفت را بگو  
پاتو بردار از زندگی من  
اه اه اه

زندگیمون داره بوی پا میگیره .....!!!!  
بخاطر خدا به حرفهام گوش کن  
دستت را بده به من که داری میمیری بیچاره ،  
بدبخت جنیه نداری کمتر بخور .....!!!  
بسان بزی گرسنه که علف میخورد  
عرق سگی خوردی ای یار  
و من با تو هم آواز میشوم :  
مستی هم درد منو دیگه دوا نمیکنه .....!!!!  
غم با من زاده شده منو رها نمیکنه.....!!!!

نکته :

به اندازه ۷ روز برای داشتن صندوق پستی  
از امور مالی وام دریافت کردیم  
میتونید تا یه هفته نظر بدید ..

---

### در وصف میمون

او از میوه و دانه و حشرات تغذیه میکند بدن این جانور پوشیده از مو است البته با یه عمل لیزر همش  
میره !!!

میمون بسیار خوشگل است البته با آرایش اونهم با ست لوازم آرایش (arcancil)

آنها بچه های خود را بغل میکنند و راه میروند نوع ماده این جانور بسیار شیرین زبان است و با زبان چرب خود به تنهایی یک تن سیب زمینی را سرخ میکند ماشالله به این چربی و کلسترول (دسسسسسسسسست)

این حیوان به مرور تکامل یافت و حالا روزی هزار تا از اونها رو میبینیم اونم از همه رنگ با **شلوار برمودا**!!!!!!

او با حرکات و ادا و اطوار خود روزانه خیلی از آدمها رو به خود جذب میکند عین آهن ربا!!!! ( ما به خال جوش آهنت گرفتاریم **قناری** )

خلقت این حیوان مصادف بود با جنگ ویتنام و آمریکا **سال 1342** بود؟ آره !!! البته اون موقع علم اینقدر پیشرفت نکرده بود و بشری در کار نبود یه سری گودزیلا بودن و آدم فضایی!!!! راستی گفتم سال 42 یاد یه خاطره افتادم براتون تعریف کنم با بر و بجز رفته بودیم **کافه** با 2 نفر دعوامون شد البته اون موقع دو نفر خیلی بודהها اندازه 5-6 نفر الان بود اینجوری نبود که تازه اون وقتها جوونها مال دوره روغن میمونی بودن نه **روغن کدبانو**!!!!!!

( راستی از وقتی روغن کدبانو اومده به خونه غذاها مزه توالت گرفته )

آقا خلاصه اینقدر کتک خوردیم که نگو!!!! مدل پیشرفته تر میمون اسمش هست **شامپازه** که این مدل روهم زیاد میبینیم البته اگر ازدواج کنید بعد میبینید !!! ( خدایی دخترها یه وقت فکر بد نکنند که من دارم اونارو مثال میزنم تمام اشخاص این داستان خیالی است )

شامپازه ها به صورت گروهی در جنگلهای گرمسیری **گیشا** ( حالی به مشمولک ) زندگی میکنند!!!!

در زمانهای بسیار دور این حیوان به انسان کمک میکرد یادم نیست کی بود؟!

ولی یه کارتون بود یارو میمون داشت..... البته شنیدم امسال در جشن نیکوکاری هم خیلی کمهای غیرنقدی کردند مثل موز و نارگیل!!!!

خلاصه امسال سال میمون

هر کی این مطلبو نخونه حیرونه

همه به من میگن استاد دیوونه

خجالت نمیکشی که نصفه ..... بیرونه ؟

میگم دروغ نگین مگه واقعا بیرونه؟؟؟؟

همه به من میگن برو بابا دیوونه !!!

یه جک یادم افتاد براتون بگویم : میمونه به مامانش میگه مامان ما چرا اینقده زشت هستیم مامانش میگه دخترم تو باید اون کسی که داره الان این وبلاگ رو میخونه ببینی ..... البته استاد دستور قتل این میمون رو صادر کرده و عوامل نفوذی چرند و پرند به دنبال او هستند و برای همین امسال سال میمون شد !!!!!!!

در آخر چند وقته پیام بازرگانی نداریم آگهی شما رو با ارزان ترین و بهترین قیمت به چاپ میرسانیم ( کمبود بودجه مواجه شدیم ) و به دلیل کمبود بودجه و نداشتن پستی صندوق نظرات فعلا تعطیل میباشد .

.....  
**چند سطری از کتاب عشق مجازی**



دیگه دلم براش په ذره شده بود داشتتم از تنهایی و درد به خودم میپیچیدم به زمین و زمان ناسزا میدادم که چرا که حالا به وجودش احتیاج دارم اون نیست و من باید اینجوری بشم ! خب لابد حکمتی هست اگه قرار باشه بیاد بلاخره میاد و منم نمیتونم چیزی رو تعیین کنم ... فقط میدونم که صداسش بهم تسکین میداد و منو آرام میکرد شاید بعضی اوقات بودنش منو آزار بده ولی باز دوستش دارم اون باعث میشد تا من غم و درد و رنج رو فراموش کنم و به زندگی عادی برگردم ... سر شب تو رستوران سر کوچه که داشتتم شام میخوردم با خودم فکر میکردم اینجوری بشه ولی نه تا این حد وای خدای من!!! همیشه تصور کرد که تا کی این وضعیت ادامه داره ؟!!!! لابد خیلی از من ناراحته!!! بلند شدم رفتم سمت تلفن اما دیدم سرم گیج میره و نمیتونم راه برم ! یعنی اینقدر من بهش وابسته شدم؟! نمیدونم که کی بود که خوابم برد .....

ساعت حدود 4 صبح بود که با صدایی از خواب پریدم آره اون اومده بود اونو با تموم وجود حس کردم حتی بوی اون داشت منو دیوونه میکرد ( چه بوی خوبی از کودکی این بو برام آشنا بود ) آخیش از عصری داشتتم از دل درد میمردم حالا راحت شدم و میتونم تا صبح راحت بخوابم تو په کتاب خونده بودم که علاج دلپیچه میتونه باد معده هم باشه ولی اینبار واقعا خودم تجربه کردم !!! خلاصه اون اومد و منو از شر اون درد لعنتی راحت کرد .....

-اثری از استاد چرندی

-گروه سنی : خر پیره

-صحاف : مشمولک

-طراح روی جلد : گوز ملق خان

در ضمن په نکته یادم اومد بعضی دوستان گیر قومیت و ملیت ندهند که چرا ترک و چرا لر و ..... اینجا میخوایم حال کنیم نه فرهنگ نداشته رو تقویت کنیم!!!!!!

## سال جدید

با سلام لطفا پس از شنیدن صدای من **بوق** بزنید !!!! ( منشی تلفنی په **ترک** )

خب امیدواریم که سال خوب و خوشی رو شروع کرده باشین و تا آخر سال هم خوب باشه به امید

آنروز همه با هم سه بار میخوانیم :

**\* بی وفایی .بی وفایی دل من از غصه داغون شده !!!!!\*** ( انقدر این بامشاد با حاله استاد هم حسابی گرفته )

دعای اول سال :

۱- امیدواریم امسال دیگه از دیوونه خونه و تیمارستان خبری نباشه !!!! ( **آمین یادتون نره** )

۲- همچنین امیدواریم که با کمک دوستان عزیز وبلاگنویس و وبلاگخون و به کوری چشم دشمنان مملکت چرند و پرند در سال جدید میخواهیم بترکونیم به طرز باکومبا ترکونیا ( کمکهای فکری مالی جنسی جسمی روحی یادتون نره ).....

آخه بعضی چیزها گفتنی نیست در سال گذشته به سری از دوستان ( **دشمنان** ) به بلاهایی سر ما آوردن که گفتنش لازم نیست ما هم هیچ نمیگویم و فقط عمل میکنیم !!!!!!!

3- همتون به آرزوهای قشنگ و چرندیات ذهنتون برسید و ما رو هم بی نصیب نگذارید !!! ( **الهی بترکه** هر کسی که به آرزوش برسه به ما چیزی نده )

پس از همه دوستان قدیمی و جدید میخواهیم که تبلیغ مارو تو سایتها و وبلاگهاشون و به دوستانشون **بکنند** ما هم جبران میکنیم !.....

خب تا بعد تعطیلات همه رو به دست دوست دخترها و دوست پسرهایشون میسپارم و روزهای خوبی رو براتون آرزو داریم .

استاد چرندی و بانو

.....

### ۲۰ دقیقه سرنوشت ساز

امروز استاد چرندی میخواهد داستان این کاست جدید شادمهر خان عقیلی رو براتون بگه !! طی مصاحبه خبرنگار شبکه چرند و پرند با این خواننده مردمی و غیر دولتی مبنی بر این که ناراحت



مهر چه مقدار

وقت گذاشته تا این آلبوم روانه بازار شده است او با خندهای گفت : من حدود نیم ساعت یا کمی

بیشتر روی این آلبوم کار کردم و خیلی

زحمت کشیدم و وقتی از هزینه ها پرسیدیم گفت : با تهیه بودجه لازم که حدود 1200 الی 1300

تومان بود کار رو شروع کردم!!!! ( صرفه جویی )

به غمگین مهر گفتیم که شعرها رو از کجا کف رفته ؟

گفت همه شعرها رو خودم سرودم

که در این لحظه ما به او تبریک گفتیم

و دست زدیم که آفرین که همه شعرها رو خودت رییدی!!!!

او هم ناراحت شد و قهر کرد و رفت ،

ما هم طی حواله بی لاهی!!! به وی گفتیم که نگو از کجا آوردی!

و جاسوسان شبکه القاعده ببخشید چرند و پرند رو فرستادیم تا ته و توه داستان رو در بیان

که این جاسوسان دوره دیده هم ته و توی شعرها رو در آوردن هم ته و توی رفیقمون رو !!!

---

### پیام بازرگانی



**ترک اعتیاد در سه سوت مبتلا به هر**

**نوع مواد ( اولیه ، آخریه ، وسطیه )**

**بدون برگشت و عوارض شهرداری**

آدرس : شور آباد ، بند ۷ بازپروری تلفن تماس : با استاد چرندی تماس بگیرید

---

حال میرویم سراغ داستان :

تا اونجا که ما شنیدیم آقا کفشش گم شده بود یا جوراب دقیقا خبری در دست نیست ، که جنس مذکور برای ایشون میخواند **عمرا اگه لنگمو پیدا کنی !!!!!** شادمهرم گفت : **آدم فروش دست تو**

**رو شده برام!!!!** در این لحظه دوست دخترش میاد میگه عزیزم دنبال چی میگردی ؟ اونم میگه :  
**هر چی که بوده بین ما وردار برو مال خودت!!!** خانم هم میره به وزارت اطلاعات آمار جا و مکان  
شادمهر رو میده و شادی باز برایش از ته دل میخونه : **وقتی دیدی که سوختی رفتی و ما**  
**رو فروختی ؟؟؟؟** اونم میگه : **چند روزه دل دیوونه میگیره همش بهونه ، آتیشم میزنه**  
**هرشب جای خالیت تو خونه .....** (آخی این دخترها همیشه رحم میکنن )

شادمهر میگه برو گمشو تو آدم نیستی ، من پدرتو در میارم که در این لحظه خانم میگه : **منو تهدید**  
**میکنی ؟؟؟؟؟؟؟؟؟** دید دید دید دید ( لکنت زبون داشته حیوونکی )

**تو منو دوسم نداشتی حتی قد نوک انگشت!!!!!!**

شادمهر میگه :

**هر چی میخای سیام بکن پر رو تر از تو ندیدم!!!!**

اینجوری بود که کاست آقا شادمهر سر گم شدن به لنگه جوراب و عصبانیت و دعوای وی با

دوست دخترش شکل گرفت و از این دعوا که به سمع و نظرتون رسید الهام گرفت !

پر گرفته از وب لاگ چرند و پرند!!!!!!

E – Mail: mohammad4763@yahoo.com